

# فقط راین

گونه‌ای که حاتمی‌کیا از او ارائه می‌دهد، به خصوص در لحظات احساسی به وضوح کم می‌آورد. روابط عاطفی میان یوناس و سعید هم هیچگاه قوام یافته و قوی پرداخت نمی‌شود و حتی در لحظه دفاع یوناس از سعید در برابر سگ هم - بعلت اجرای ضعیف آن - کارکرد صحنه، حداکثر در حد یک حس نوع دوستی ساده و نه یک رابطه مستحکم عاطفی خاتمه می‌یابد. در این میان فقط کاراکتر مهربان و صمیمی خود لایلا است که می‌تواند تا حدود زیادی با تماشاگران ارتباط برقرار کند و این موفقیت هم تا اندازه‌ای نشأت گرفته از صدای گرم و سمپاتیک بازیگرش - هماروستا - است.

به نظر می‌رسد که کارگردان حتی در نگاهش به شهر، به عنوان محل وقوع ماجراها هم در سطح لعاب ظاهری مکانها متوقف شده است. مثلا نماهایی که از پوسته‌های درون ایستگاه اتوبوس گرفته می‌شود و یا تصاویر مکرری که از مناظر چشم‌نواز رود راین و خیابانهای اطراف به نمایش درمی‌آید، بیشتر به یک نگاه توریستی و تبلیغاتی از یک شهر اروپایی شباهت دارد تا به یک نگاه سینمایی. در کنار همین صحنه‌ها - برای مقایسه - سکانس زیبای جبهه فیلم را هم داریم که بسیار قوی و کارآمد و در عین حال سرشار از حس و حال، روابط مابقی را خلق کرده است که متأسفانه نظیر این لحظات در سراسر فیلم بسیار کم شمار و کم اثر حضور دارند. همین امر ما را بار دیگر به تکرار جمله آغاز پنهان برمی‌گرداند که موفقیت حاتمی‌کیا در به تصویر کشیدن جنگ و حال و هوای آن و ناکامی او در به نمایش گذاردن همان آدمهای وارسته‌اش در فضای شهر، قبل از هر چیز به شناخت دقیق او از فضای جبهه و عدم احاطه کامل او، بر روابط علت و معلولی شهر باز می‌گردد.

اگر بخواهیم اقبال عمومی را مبنای قضاوت قرار دهیم، باید از کرخه تارین را موفق‌ترین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا بدانیم. لکن اگر اصول مقیاس سنجشمان را بر پایه استحکام ساختاری هر فیلم و کارکرد اندیشه‌های آن بنا کنیم، آنگاه از کرخه تارین در کارنامه کارگردانی که فیلمهای مطرحی همچون مهاجر، وصل نیکان و خاکستر سبز را دارد، اثر مهمی به شمار نمی‌آید.

نیما استواری



کم اثر به گوش می‌رسند.

حتی در چهارچوب یک اثر ملودرام هم، از کرخه تارین دارای ضعف‌های اساسی می‌باشد. مثلا شوهر لایلا و پسرش یوناس، شخصیت‌های ضعیف، نجسب و غیرقابل قبولی از آب درآمده‌اند. شوهر لایلا با آن دوربین دائما در دستش و با آن نگاه ماشینی که به سعید به عنوان سوژه تلویزیونی دارد، بیشتر حکایت از تلقی سطحی و ساده انگارانه کارگردان از یک فرد اروپایی دارد و تصویر کاریکاتور

پینتر گفتگوی ما را قطع می‌کند و با خوشحالی خبر می‌دهد که امشب کانال ۵ تلویزیون فرانسه فیلم زندگی و دیگر هیچ کیارستمی را پخش می‌کند. بهترین معلم شما از دوران کودکی تاکنون چه کسی بوده است؟

بهبترین آموزگاران من در زندگی معلم نبوده‌اند، اما چهار نفر زندگی مرا تکان داده‌اند.

۱- «مارسل پانگول»، نویسنده‌ای که دوست داشته‌ام. ۲- «وودی آلن»، کارگردان معروف سینما. ۳- گینزبورگ، نوازنده و خواننده. ۴- پراسینز، شاعر و کاریکلماتوریست فرانسه.



● اگر در فرانسه نبودید دوست داشتید در چه کشوری زندگی کنید؟

□ بدون شک اسپانیا را دوست دارم. خانه‌ای در سواحل زیبای این کشور ایده آل من است. آب و هوای متعادل، کیفیت زندگی، توازن بین زندگی و کار و مشکل زبان نیز در آنجا ندارم.

● چرا برخی از کاریکاتورهای شما سیاسی هستند؟

□ هنرمندان در فرانسه زبان گویای مردم و پل ارتباطی آنها با سیاستمداران هستند. سیاستمداران ما اغلب فاقد قدرت تخیل و ابتکار هستند و به همین دلیل هنوز مشکل فقر و بیکاری در جامعه ما هست. اما من با انتقاد افراطی مخالفم چون ممکن است به دموکراسی آسیب برساند. ما نباید طوری انتقاد کنیم که مردم به هیچ کس رأی ندهند.

● اگر در جزیره‌ای تنها باشید چه کتابی را با خود می‌برید؟

□ دایرةالمعارف جهانی. ● آلبوم کاریکاتور چه؟ □ سعی می‌کنم با بردن مقدار زیادی کاغذ و قلم کیفیت کارم را بهتر کنم.

● آقای پینتر از وقتی که برای گفتگو در اختیار ما قرار دادید تشکر می‌کنم.

علی دیواندری، پاریس، ۱۷ مهرماه ۷۴



## روز دیدار

سکانس‌های اولیه فیلم سینمایی «روز دیدار» اولین تجربه بلند سینمایی سیدعلی خوش‌نشین در گوشه و کنار تهران فیلمبرداری می‌شود.

سیدعلی خوش‌نشین می‌گوید: تلاش می‌کنم از کلیشه‌های جاری در سینما پرهیز کنم و اولین موفقیت من در این زمینه گرفتن بازی کم‌دی موقعیت از فرامرز قریبیان و بازی سینمایی از گیتی ساعتچی است. روز دیدار براساس نوشته‌ای مشترک از تیرداد سخایی و ربابه هاشمیان کار می‌شود و مدیریت فیلمبرداری آن با مسعود صدیق است.

در این فیلم همچنین مهشید افشارزاده، رضا بابک، مهین شهابی، منوچهر والی‌زاده، محمود بصیری، بهزاد رحیم‌خانی و تنی چند از بازیگران تئاتر، سینما و تلویزیون حضور دارند.

## گلبانگ هفته



## نگاهی به اجرای گروه «کامکارها»

گروه «کامکارها» هفته گذشته در فرهنگسرای بهمن به اجرای کنسرت موسیقی پرداختند. پیش از این نیز گروه مذکور در روزهای ۲۱، ۱۹ و ۲۹ مهرماه در تالار وحدت اجرای برنامه داشتند، این برنامه نیز تکرار برنامه تالار وحدت بود. یادداشت زیر اشاره‌ای دارد به بخش دوم برنامه که اختصاص به تکراری سنتور توسط «اردوان کامکار» داشته است.

اجرای «اردوان کامکار» را می‌توان از سه وجه مد نظر قرار داد، شیوه نوازندگی، جنبه‌های تکنیکی یا به قول غربی‌ها توانایی‌های سولست (تکنواز) در اجرای اثر، و نوع موسیقی ارائه شده.

۱- شیوه نوازندگی: با توجه به تقسیم‌بندی‌ای که استاد «مجید کیانی» از سه شیوه هنر تکنوازی در اثری به همین نام به عمل آورده است، شیوه نوازندگی «اردوان کامکار» بر پایه گامهای غربی قرار دارد. وی در این اجرا قطعاتی در گام مینور (کوچک) که دستگاه همایون و نغمه اصفهان در محدوده آن جای می‌گیرند را می‌نوازد. نحوه اجرا به شکلی است که پس از نواختن یک ضربی یا چهار مضرب با استفاده از آرپژها و پاساژهای مختلف که خاص موسیقی غربی است ملودیهای فوق را (اجرای تصنیفی از روح‌الله خالقی ملودی محلی و حتی چند اثر از آهنگسازان سمفونیک قرون گذشته غرب) اجرا می‌کند و در ادامه چهار مضرب ترجیع بند را می‌نوازد. چنانکه در برهه‌شور اثر اشاره به این نکته شده که اکثر ترانه‌های کردی فرم «ترجیع‌بند» دارند که در آن، یک ملودی ساده با اشعار گوناگون خوانده شده و در انتهای هر بند، بی‌تی با عنوان «ترجیع‌بند» آنها را به هم وصل می‌کند. بنظر می‌رسد استفاده «کامکار» از این شکل با توجه به فرم موجود در موسیقی کردی صورت گرفته باشد. اما عدم استفاده نوازنده از ملودی‌های کردی و محلی که خود و خانواده‌اش پیشینه‌ای قوی از آنها به یادگار دارند و مردم هم آنها را در اجرای موسیقی محلی کردی می‌شناسند به جای استفاده از تصانیفی که قبلاً در همین گام اجرا و به صورت کاست درآمده، بر اجرای «اردوان کامکار» لطمه جدی وارد کرده است. نکته افزودنی در باره این شیوه نوازندگی نحوه کوک سنتور است که متناسب با پیانو کوک شده به نحوی که سو نوریته (صدادهی) سنتور شبیه پیانو می‌شود. تا جاییکه اگر شنونده ساز و نوازنده را به صورت عینی مشاهده نکند، تفکیک صدای پیانو و سنتور با این شیوه نواختن برایش بسیار مشکل است.

۲- تکنیک نوازندگی: اردوان کامکار در نوازندگی سنتور بسیار چیره‌دست است، لذا در تمامی زمان اجرا تسلط وی بر اجرای قطعات و همچنین نواختن مضرب بر سنتور در حد بسیار بالایی قرار دارد. اجرای چهار مضربها با سرعت و دقت بالا، استفاده از ریتمهای مختلف و شکستن ریتم و نیز تلفیق و پیوند مناسب ملودی‌های مختلف با یکدیگر در هنگام نوازندگی نشان از تمرکز و تسلط وی در هنگام نواختن دارد. لذا می‌توان از وی به عنوان یکی از تکنوازان (نه بداهه‌نواز) خوب کشور نام برد.

۳- موسیقی مصرفی: به نظر نگارنده نوع موسیقی‌ای که اردوان کامکار ارائه می‌دهد. از نوع موسیقی سبک (لایت) یا مصرفی است که هنوز با موسیقی مصرفی ایده آل و خاص مردم ایران فاصله بسیار دارد اما می‌تواند شروع مناسبی بر این امر باشد. شاید مشابه همان کاری که «ریچارد کلایدرمن» در غرب انجام داده و موفق هم شده است. موسیقی سبک برای اندیشه آفریده نشده لذا مطابق با نیازهای روز مخاطبان شکل می‌گیرد، اما اگر این گونه از موسیقی به ملودی‌ها و بقیه در صفحه ۱۵



حدیث هفته



● اولیاء خدا کسانی هستند که به باطن این عالم نظر کردند، آنگاه که مردمان به ظاهر آن چشم دوختند.  
نهج البلاغه

جشنواره رشد

در فرهنگسرای خاوران

برگزاری جشنواره رشد، نمایش تئاتر، جشن قرآن از جمله برنامه‌هایی است که امروز و فردا (جمعه) در فرهنگسرای خاوران اجرا خواهد شد.  
● جشنواره رشد: فیلمهای ترافیک گرافیک و مرد نامرئی (۸/۴۵)، کلاغ تشنه، کوزه گر، بادکنک سفید (۱۰/۴۵)، تصویر زمین شناسی، سالهای بقراری (۱۴)، آب در خلاء بهتر یخ می‌زند، بچه‌ها چطور رند، کاکادو (۱۶)، در حاشیه و بشیر (۱۸) امروز و آنها که زنده‌اند، کیمیا (۱۶)، ماهی قرمز، ارتباط، ارتباط و نگاهی دیگر در ساعت ۱۸ فردا به نمایش درمی‌آیند. محل نمایش این فیلمها آمفی تئاتر اصلی است.  
● برپایی مراسم «زن نقش آفرین توانمند» و نمایش فیلمهای نیاز (۱۸) و بدوک (۱۹/۳۰) در پنجشنبه و فیلمهای ریحانه (۱۸) و مادر (۱۹/۳۰) در جمعه، این فیلمها در سالن روباز سوم خرداد نمایش داده می‌شود.  
● برقراری جشن قرآن، ویژه دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی، در ساعت ۱۳ بعد از ظهر امروز در محل دارالقرآن و نیز برقراری محفل انس با قرآن ویژه برادران در ساعت ۹ صبح فردا.

هفتمین روز هفته

کنسرت گروه رودکی در سالن افراسیابی

گروه موسیقی سنتی «رودکی» به سرپرستی مهیار فیروزبخت و با آواز سید عبدالحسین مختاباده در ساعت ۱۸/۳۰ امروز در سالن شهید افراسیابی مجموعه ورزشی شهید شیروودی اجرای برنامه دارد. در این کنسرت که عواید حاصل از آن تماماً به نفع بیماران هموفیلی است، گروه رودکی قطعاتی را در دستگاههای شور و همایون اجرا خواهند کرد.

جشنواره «تک» در قم

دومین جشنواره جهانی فیلم تک (مسابقه فیلمهای یک دقیقه‌ای) از امروز در قم برگزار می‌شود. در این جشنواره ۳۲۵ فیلم از جمله ۱۰۵

فیلم در دو بخش مسابقه (۱۷ فیلم خارجی از ۸ کشور جهان) و جنبی به نمایش درمی‌آید.

۲۲۰ فیلم در چهار بخش جنبی جشنواره اکران می‌شود. جشنواره جهانی فیلم تک در مدرسه عالی قضائی قم واقع در ابتدای جاده قم - اصفهان برگزار می‌شود.

فیلمها و کارگردانهای زن در فدک

فیلمهای پول خارجی، زرد قناری و خارج از محدوده از ساخته‌های خانم رخشان بنی‌اعتماد در سالن آمفی تئاتر خانه فرهنگ فدک به صورت رایگان به نمایش درمی‌آید، این فیلمها به همراه دو فیلم پرند کج و خوشبختی و زرد قناری در ساعت ۱۷ بعد از ظهر به نمایش درمی‌آید.



روز هفتم با سینما

۱۶/۳۰: پیغام سرور - ۱۷: کنکاش - ۱۷/۴۵: گلهای قرآن - ۱۸: میزگرد فرهنگی - ۱۸/۳۰: ویژه هفته زن - ۱۹/۱۵: برنامه مراکز استانها - ۲۰: سینمای ۷۳ - ۲۰/۳۰: اخبار - ۲۰/۴۵: فرهنگ سیاسی - ۲۱: چه باید کرد - ۲۲: موزه هرمیثاژ - ۲۲/۳۰: اخبار - ۲۳: آلبوم ورزشی هفته.  
شبکه سوم  
۷/۳۰: سرود - قرآن - ۷/۴۵: خطاهای ورزشی - ۸: بسکتبال نوین - ۸/۴۵: گلچین - ۹/۳۰: لبخند سوم - ۱۰/۳۰: سریال خارجی - ۱۱/۱۵: چشمه‌های نور.  
عصر - ۱۵: قرآن - ۱۵/۱۰: دیدنیهای ورزشی - ۱۵/۳۰: پیرامون یک مسئله ورزشی - ۱۶: آخرین روز هفته با ورزش، پخش مستقیم دیدار دو تیم، «سایپا، السالمیه» - ۱۹/۳۰: آنچه شما خواسته‌اید - ۱۹/۴۵: اخبار ورزشی - ۲۰: شاخه طوبی - ۲۰/۴۵: انسان و فضا - ۲۱/۳۰: جهان فوتبال - ۲۲/۴۵: اخبار انگلیسی.

شبکه اول  
۱۳/۴۵: موسیقی - قرآن - ۱۴: اخبار - ۱۴/۱۰: برنامه خردسالان و کودکان - ۱۵/۴۵: فیلم سینمایی - ۱۷/۳۰: خطبه‌های نماز جمعه تهران - ۱۸/۳۰: شباهنگ - ۱۹: اخبار - ۱۹/۳۰: هفته کتاب - ۱۹/۵۰: داستانی مراکز - ۲۰/۳۰: گزارش هفتگی - ۲۱: اخبار - ۲۱/۱۵: یک میلیارد مسلمان - ۲۲: سریال مکافات عمل - ۲۳: نگاه هفته - ۲۳/۳۰: انسان و طبیعت.  
شبکه دوم  
۷/۱۵: قرآن - ۷/۳۰: ورزش و تندرستی - ۷/۴۵: گلهای قرآن - ۸: هواشناسی - ۸/۳۰: درون و بیرون - ۸/۴۵: سرگرمیهای فیزیک - ۹: خوشنویسی - ۹/۳۰: کودک و نوجوان - ۱۱/۱۰: ما و فرزندانمان - ۱۲: میان برنامه - ۱۲/۱۵: خورشید پنهان - ۱۲/۳۰: دوربین دوم - ۱۳: برنامه سیاسی هفته - ۱۳/۳۰: سریال افق - ۱۴: مروری بر سمینارها - ۱۵: اخبار ناشنواایان - ۱۵/۳۰: زیست شناسی - ۱۶: جهان شگفت‌انگیز دانش -

بر پرده سینمای شهرستانها

فیلم	سینما	تلفن
<b>اصفهان</b>		
روز دیدنی	آفریقا	۲۳۶۲۶۸
مرورید سیاه	ایران	۲۳۷۷۱۱
می خواهم زنده بمانم	چهارباغ	۲۲۶۹۵۵
اتهای قدرت	فلسطین	۲۳۸۲۳۴
<b>قم</b>		
مرضیه	تربیت	۷۳۲۱۸۰
دل و دشنه	استقلال	۵۵۰۰۹
حامی	شقایق	۵۶۶۴۷
<b>مشهد</b>		
تحفه هند	هویزه	۸۳۷۵۷۵
حامی	آفریقا	۹۷۴۵۴
بادکنک سفید	یاشمن	
درد مشترک	نسترن	
روسی آبی	قدس	۴۲۳۰۰
می خواهم زنده بمانم	استقلال	۲۴۴۰۲
عروسی خون	شهر تماشا	۲۱۳۳۳
نیش	فلسطین	۲۵۵۱۲
<b>رامهرمز</b>		
شاهین طلایی	آزادی	۳۰۰۱
<b>قزوین</b>		
مرضیه	ارشاد	۲۳۰۴۶
حمله به آج ۳	ملت	۲۳۱۵۲
<b>یزد</b>		
نان و شعر	دهم	۲۳۰۷۶
دیوانه وار	فروردین	۵۵۹۵۰
<b>خرم آباد</b>		
دشت ارغوانی	استقلال	۲۲۲۱۴
<b>همدان</b>		
تحفه هند	فلسطین	۲۲۲۳۴۴
مجازات	قدس	۲۲۲۷۰۰
<b>بروجرد</b>		
دشت ارغوانی	فلسطین	۲۲۳۱۲
<b>ملایر</b>		
ازدها	بهمن	۵۷۲۲
<b>دورود</b>		
دشت ارغوانی	کیهان	۴۴۴۳
<b>نهاوند</b>		
مهریه بی بی تمساح	فرهنگ	۲۲۶۳۳
	استقلال	
	(تویسرکان)	
<b>الشتر</b>		
دشت ارغوانی	رنگین کمان	

گلبانگ هفته

بقیه از صفحه ۹  
نغمه‌های محلی کشورش توجه کرده و از آن ارتزاق کند، می‌توان آن رامو موسیقی سالم مصرفی نامید که جامعه امروز ایران از فقدان این نوع موسیقی بسیار رنج می‌برد. محمدرضا درویشی آهنگساز و محقق موسیقی بومی محلی در کتاب درباره هنر و ادبیات در این باره می‌گوید: «در حال حاضر موسیقی هنری ما با موسیقی مصرفی، بازاری و موسیقی روز مخلوط شده است و یک موزیسین که موسیقی مصرفی تولید می‌کند دون شأن خود می‌داند که خود را آفریننده این نوع موسیقی بنامد، در حالیکه اگر وی با تاکید بر موسیقی محلی و بومی کشورش دست به تولید موسیقی مصرفی بزند می‌تواند نیاز جامعه را به این نوع موسیقی برطرف و از روی آوری آنها به موسیقی مبتذل مصرفی جلوگیری کند که این خود خدمت فرهنگی بزرگ و قابل تقدیری است.»  
سیدابوالحسن مختاباد

خوید

یک چوب کبریت هم نذر زدیسه بود. بدترین تهمتی که فکرش را می‌کرد همین بود. سرش را بالا گرفت.  
«خوب حالا اگر زبان خوش حالی ات نیست حالی ات می‌کنم.» پالتوی او را با سرعت کنار زد و حسابی یور شد. لبخند ابلهانه‌ای روی صورتش ماسید. به سرعت توی مغازه غییش زد. دنیالوپه تهمت دزدی را برنتابید. سرش را پایین انداخت. در راه خانه، آهسته می‌گریست. به خانه که رسید پالتویش را کند اما روسری را باز نکرد. توی اتاق قدم زد. ساعت یک از قدم زدن خسته شد، روی کاناپه ولو شد و گلدوزی قاب دستمال‌ها را از سر گرفت.  
نوشته: نیکلاس سمی واکا  
ترجمه: اسدالله امرایی

دنیالوپه برگشت. پسر قد بلند و سرخ‌رویی دید. پسرک لباس کار فروشگاه کلیفوردا را به تن داشت. هفته سال بیشتر نداشت. در چهره جوانش آمیزه‌ای از آشفتگی و قاطعیت و تردید موج می‌زد. دنیالوپه زبانش بند آمد.  
پسرک صدایش را یک پرده بلند کرد و گفت: «چیزی را که بلند کرده‌ای رد کن اینجا. من تمام مدت حواسم به تو بود. از اول تو را می‌پایدم. روزی صد تا مثل تو را می‌گیرم، مثل لاله‌ها می‌گردید، چیزی کش می‌روید، بعد سرتان را می‌اندازید پایین و در می‌روید.»  
دنیالوپه هراس خورده و نگران و با غرور زخمی از تهمت دزدی ماتش برده بود. در شصت و هشت سال زندگی آبرومندانه‌اش حتی

معمول دفعات قبل در این ساعت روز تنها مشتری فروشگاه دنیالوپه بود. بعد از آنکه آقای کلیفوردا را پیدا کرد و پولش را داد به جای ترک فروشگاه چرخ در میان غرفه‌ها زد. چیزهایی را که چشمش می‌گرفت برمی‌داشت و نگاهش می‌کرد. سگهای پشمالو را برمی‌داشت، نگاه می‌کرد و بعد سر جایش می‌گذاشت. عروسکها را فشار می‌داد، از صدای سوت آنها خوشش می‌آمد. از دیدن روبان‌های مخملی زیبا و گللهای پلاستیکی و گرمکن زیبا احساس رضایت می‌کرد و می‌خندید. بعد از فروشگاه بیرون رفت. تا خواست از خیابان بگذرد یکی دستش را گرفت و با صدای نخرانیده‌ای گفت: «خوب خانم رد کن اینجا! چه دزدیدی؟»

بقیه از صفحه ۱۲  
دلار و چهل و سه سنت مانده بود. اگر آن راه می‌داد خیالش راحت می‌شد. این هفته سه دلار پس‌انداز کرده بود. چطورش را خجالت می‌کشید بگوید. هفته بعد هم تته آن را می‌داد. دنیالوپه سه چهار بار طول و عرض آپارتمان را گز کرد و بالاخره سر میز آشپزخانه برگشت. ساعت هشت صبح بود. پالتوی گرم خود را تن کرد، روسری مشکلی‌اش را بست و در هوای سرد و گزنده زمستان از خانه بیرون زد. مه هنوز سنگین بود. درخت‌ها در هوای سرد و نمناک صبح می‌لرزیدند. هفته دیگر بدهی‌اش تمام می‌شد. احساس رضایت مطلوبی در جانش دوید. حتی صبح دلگیر و سرد زمستان هم نمی‌توانست آن احساس را زائل کند. طبق